

نقش‌های جنسیتی مردانه و زنانه در گروهی از افراد طبیعی ایرانی بر پایه دو سازه متفاوت:

پرسشنامه نقش جنسیتی بم و مقیاس‌های نقش جنسیتی مردانه و زنانه MMPI-2

دکتر کاوه علوی^(۱)، دکتر امیرحسین جلالی ندوشن^(۱)، دکتر مهرداد افتخار^(۲)

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش‌های جنسیتی مردان و زنان ایرانی با استفاده از دو ابزار مختلف و مقایسه آنها با هم انجام شد. **روش:** تعداد ۸۱ مرد و ۸۹ زن ایرانی طبیعی در یک مطالعه مقطعی-تحلیلی شرکت کردند. بررسی نقش‌های جنسیتی مردانه و زنانه با استفاده از مقیاس نقش جنسیتی مردانه (GM) و زنانه (GF) از MMPI-2 و پرسشنامه نقش جنسیتی بم (BSRI) صورت گرفت. تعیین نوع جنسیت با استفاده از روش دونه‌سازي توسط میانه انجام شد. **یافته‌ها:** بر اساس هنجار جمعیت ایرانی مقیاس‌های GM و GF، ۴۷/۱ درصد مردان و ۳۷/۱ درصد زنان از نظر جنسیتی نامتمايز بودند و هیچ‌کدام از افراد بررسی شده دو جنسیتی (آندروژینوس) تلقی نشدند. اما بر اساس پرسشنامه نقش جنسیتی بم، ۶/۲ درصد مردان و ۱۰/۱ درصد زنان دو جنسیتی بودند و ۳۹/۵ درصد مردان و ۳۶/۰ درصد زنان نامتمايز قلمداد شدند. ضریب همبستگی پیرسون میان نمره مقیاس GM از MMPI-2 و صفات مردانه از BSRI ۰/۵۳۰ و بین نمره مقیاس GF از MMPI-2 و صفات زنانه در BSRI ۰/۵۲۸ بود (در هر دو مورد $p < ۰/۰۰۱$). **نتیجه‌گیری:** دو پرسشنامه مورد استفاده همبستگی متوسطی داشتند. به نظر می‌رسد این دو پرسشنامه ابعاد متفاوتی از نقش‌های جنسیتی را اندازه می‌گیرند، اگرچه هم پوشانی قابل توجهی نیز میان آنها دیده می‌شود. **کلیدواژه:** نقش جنسیتی؛ پرسشنامه نقش جنسیتی بم؛ MMPI-2؛ مردانگی؛ زنانگی

[دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۴/۱۸؛ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۶/۳۰]

مقدمه

جنسیت^۵ نام دارد (۲). نقش جنسیتی^۶، بر اساس نوشته بیلی^۷ (۱۹۹۶)، شامل رفتارها، نگرش‌ها و خصوصیات شخصی است که در جامعه برای نقش اجتماعی مردان یا زنان مناسب‌تر یا معمول‌تر است (۳). به این ترتیب، وقتی مردی را زنانه توصیف می‌کنیم، به این معنی است که برخی خصوصیات او در جنسیت مقابل بیشتر دیده می‌شود. به بیان دیگر، نقش جنسیتی او بیشتر زنانه است تا مردانه. به این ترتیب، اگرچه ارتباط قابل توجهی میان جنس^۸ و نقش جنسیتی وجود دارد،

در هر فرهنگی تمایز میان مردان و زنان یکی از اصول اولیه ساختاردهی جامعه است و لازم است تا پسران و دختران مهارت‌های خاص جنسیت خود را به دست آورند و خودانگاره‌ها^۱ و خصائل شخصیتی^۲ خاص جنسیت خود را آن گونه که همان جامعه یا فرهنگ خاص مردانه یا زنانه تلقی می‌کند، بیاموزند (۱). فرایندی که طی آن یک جامعه افراد مذکر و مؤنث^۳ را مردانه یا زنانه^۴ بار می‌آورد، تعیین نوع

^(۱) روانپزشک، استادیار دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی-درمانی ایران. مرکز تحقیقات بهداشت روان، دانشکده علوم رفتاری و سلامت روان - انستیتو روانپزشکی تهران.

^(۲) دانشیار دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی-درمانی ایران. مرکز تحقیقات بهداشت روان. تهران، خیابان ستارخان، خیابان نایب، خیابان شهید منصوری، دانشکده علوم رفتاری و سلامت روان - انستیتو روانپزشکی تهران. دورنگار: ۰۶۶۵۰۶۸۶۲-۰۲۱ (نویسنده مسئول) E-mail: mehrdad.eftekar@gmail.com

1- self-concepts
3- male and female
5- sex-typing
7- Bailey

2- personality attributes
4- masculine or feminine
6- gender role
8- sex

بازشناسی جنسیت، با کمک تحلیل افتراقی^{۱۶} و بر اساس رغبت‌های مربوط به جنسیت مرد یا زن^{۱۷}، جنسیت فرد پیش‌بینی می‌شود. تعدادی از مطالعات پایایی این راهکار را در هر دو جنسیت نشان داده‌اند (۲۰). به علاوه، بازشناسی جنسیت از روی رغبت‌ها یا گرایش‌هایی انجام می‌شود که از خصوصیات شخصیتی ابزاری و گویایی مجزا هستند. اندازه‌گیری‌های مبتنی بر رغبت‌ها^{۱۸} از پنج خصوصیت بزرگ نیز مستقل هستند و اغلب رفتارهای مرتبط با جنسیت را بهتر از خصوصیات شخصیتی ابزاری و گویایی پیش‌بینی می‌کنند. بررسی‌ها نشان داده است بازشناسی جنسیت در مقایسه با خصوصیات شخصیتی ابزاری و گویایی، ارتباط قوی‌تری با جهت‌گیری جنسی^{۱۹} در مردان و زنان دارد. بازشناسی جنسیت، مردانگی و زنانگی را به صورت رغبت‌ها و ترجیح‌های شغلی مرتبط با جنسیت ارزیابی می‌کند و در واقع صفتی است که آشکارا با بعد مردم-اشیاء^{۲۰} در ترجیح‌های شغلی همبستگی دارد (۲۰). به طور کلی، زنان به شغل‌هایی علاقه‌مند هستند که با مردم سر و کار دارند (معلم، مشاور، مدیر و...) و مردان به مشاغل گرایش دارند که به اشیاء مربوطند (مهندس، کشاورز، مکانیک و...).

بسته به ابزار مورد استفاده و تعاریفی که برای متغیرهای مرتبط با جنسیت ارائه می‌شود، سازه‌های متفاوتی برگزیده می‌شوند (۲۴-۲۲). بر اساس همین تفاوت دیدگاه‌ها، به تازگی نشان داده شده است که زنان و مردان بیشتر از آنکه متفاوت باشند، از نظر روان‌شناختی مشابهند (۲۵). از سوی دیگر، عنوان شده است که تمایز خصوصیات جنسیتی و برخی سازه‌های مرتبط با آن، مانند ترجیح‌های شغلی، میان زنان و مردان در طول زمان تغییر کرده است (۲۶، ۲۷). اما در حد اطلاعات نویسندگان، در مورد میزان تطابق نقش‌های جنسیتی بر اساس سازه‌های مختلف، پژوهش مناسبی در زبان فارسی

جنس را سازه‌ای زیستی و جنسیت^۱ را سازه‌ای اجتماعی می‌دانیم (۴) و در نتیجه، ارزیابی مجزایی برای بررسی این دو صفت لازم است.

در سال ۱۹۳۶، ترمن^۲ و مایلز^۳ یک مقیاس دوقطبی^۴ برای سنجش مردانگی و زنانگی^۵ (M-F) تدوین کردند (۵). این مقیاس شامل عناوین مختلف و نشانگر تفاوت‌های چشمگیر در جمعیت مورد مطالعه بود. پس از آن مقیاس‌های مردانگی-زنانگی (M-F) دیگری، مانند فهرست رغبت‌های شغلی استرانگ^۶ (SVIB) (۶)، مقیاس Mf در پرسشنامه شخصیتی چندمرحله‌ای مینه‌سوتا^۷ (MMPI) (۷) و خرده‌مقیاس Fe از پرسشنامه روان‌شناختی کالیفرنیا^۸ (CPI) (۸) تهیه شد. این مقیاس‌ها به طور معمول شدت علائق مربوط به جنسیت، ترجیح‌های شغلی، خصوصیات شخصیتی، سبک‌های احساسی و ترجیح‌های جنسی را می‌سنجند.

در اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی، فرض دوبعدی^۹ بودن مردانگی و زنانگی جای رهیافت دوقطبی مردانگی-زنانگی (M-F) را گرفت. بر اساس فرضیه جدید، مردانگی و زنانگی دو بعد مجزا هستند و معکوس منطقی یکدیگر به شمار نمی‌آیند (۹). به شکل قراردادی، مردانگی خصوصیات شخصیتی ابزاری یا هدفمند^{۱۱} (مانند استقلال، رهبری، برتری‌جویی، اعتماد به نفس و قاطعیت) و زنانگی خصوصیات شخصیتی گویایی و پروراندن^{۱۱} (مثل مهربانی، ترحم و دلسوزی، ملاطفت، مردم‌داری و ارتباط) را در بر می‌گیرد (۱۴-۱۰). با این نگاه، پرسشنامه‌های متعددی تدوین شدند که این خصوصیات شخصیتی (ابزاری-گویایی) را می‌سنجیدند. پرسشنامه نقش جنسیتی بم (BSRI)^{۱۲} (۱۷-۱۵) و پرسشنامه خصایل شخصی^{۱۳} (PAQ) (۱۸، ۱۹) از شناخته‌شده‌ترین پرسشنامه‌ها در این مورد هستند.

اگرچه پرسشنامه‌های ذکر شده که از مدل دوبعدی مردانگی-زنانگی تبعیت می‌کنند، هنوز هم به فراوانی در پژوهش‌ها به کار می‌روند، برخی بررسی‌ها نشان داده‌اند که در این سنجش‌ها بیشتر برتری‌جویی و پروراندن ارزیابی می‌شوند و به بیان دیگر، این پرسشنامه‌ها تنها مردانگی و زنانگی را اندازه نمی‌گیرند (۱۴، ۲۰). نشان داده شده است که دو خصوصیت شخصیتی ابزاری و گویایی با پنج صفت بزرگ^{۱۴} هم‌پوشانی قابل توجهی دارند (۲۰، ۲۱).

با توجه به اشکالات و محدودیت‌های یادشده، راهکار بازشناسی جنسیت^{۱۵} (GD) طراحی شد (۲۰). در راهکار

- | | |
|--|----------------------------|
| 1- gender | 2- Terman |
| 3- Miles | 4- bipolar |
| 5- Male-Female | |
| 6- Strong Vocational Interest Blank | |
| 7- Minnesota Multiphasic Personality Inventory | |
| 8- California Psychological Inventory | |
| 9- two dimensional | |
| 10- instrumental or goal-directed | |
| 11- expressive or nurturing | 12- Bem Sex Role Inventory |
| 13- Personal Attributes Questionnaire | |
| 14- big five traits | 15- Gender Diagnosticity |
| 16- discriminant analyses | 17- male or female |
| 18- interest-based | 19- sexual orientation |
| 20- people-things | |

مقیاس GM دارای ۴۷ گویه و مقیاس GF دارای ۴۶ گویه است. تنها ۹ گویه از مقیاس GM و ۱۶ گویه از مقیاس GF در مقیاس پنجم بالینی در MMPI-2 یا مقیاس مردانگی-زنانگی (Mf) نیز وجود دارد. ثبات درونی به شیوه ضریب آلفای کرونباخ^۶ در مورد مقیاس GM، در نمونه مورد بررسی در هنجاریابی MMPI-2، برای مردان ۰/۶۷ و برای زنان ۰/۷۵ بود. برای مقیاس GF، این ضریب هم در مورد مردان و هم در مورد زنان ۰/۵۷ به دست آمد. در نمونه ذکر شده، ضریب پایایی بازآزمایی^۷ مقیاس GM برای مردان ۰/۷۳ و برای زنان ۰/۸۹ و در مورد مقیاس GF به ترتیب، ۰/۸۶ و ۰/۷۸ بود (۳۳، ۳۴). پیش از این، از GM و GF در پژوهش‌های ایرانی استفاده نشده است.

پرسشنامه نقش جنسیتی بم (BSRI): این پرسشنامه ابتدا در سال ۱۹۷۱، توسط ساندرام بم طراحی شد (۱۵). در این پرسشنامه مردانگی و زنانگی از راه خصوصیات که از نظر اجتماعی مطلوب یا به طور کلیشه‌ای^۸ مردانه یا زنانه بودند و توسط خود فرد گزارش می‌شدند، سنجیده می‌شد. مفهومی که بم از تعیین نوع جنسیت ارائه می‌کند، انعطاف فرد را برای دارا بودن یا بهره بردن از ارزش‌های مثبت هر دو جنسیت نشان می‌دهد. در BSRI ۶۰ صفت یا عبارت توصیفی بیان شده است. از این ۶۰ صفت، ۲۰ مورد نوعاً مردانه، ۲۰ مورد نوعاً زنانه و ۲۰ مورد خنثی هستند. موارد خنثی رفتار وابسته به جنسیت نیستند. هر فرد در برابر هر صفت یا عبارت به خود نمره‌ای بین ۱ (هرگز یا تقریباً هرگز درست نیست) تا ۷ (همیشه یا تقریباً همیشه درست است) می‌دهد. هر فرد در این پرسشنامه دو نمره به دست می‌آورد که یکی نمره مردانگی و دیگری نمره زنانگی است. بر اساس این نمره‌ها، هر فرد دو بعد مردانگی بالا یا پایین و زنانگی بالا یا پایین دارد. بر اساس توصیه بم (۱۹۸۱)، برای تقسیم‌بندی هر مقیاس از روش تقسیم بر اساس میانه^۹ استفاده می‌شود (۲، ۱۷). یعنی در هر کدام از ابعاد دو گانه ابتدا میانه محاسبه می‌شود. نمره‌های بالای میانه، مردانگی یا زنانگی بالا و نمره‌های پایین میانه، مردانگی یا زنانگی پایین در نظر گرفته می‌شود. برای محاسبه نمره هر بعد ابتدا نمره‌های ۲۰ صفت یا عبارت مرتبط با آن بعد جمع می‌شود، سپس آن نمره به ۲۰ تقسیم می‌شود. بنابراین در هر

در دست نیست. نظر به اهمیت نقش‌های جنسیتی در سلامت روان، تطابق روانی-اجتماعی، مناسبات اخلاقی و رفتارهای اجتماعی، مانند پرخاشگری (۲۴-۲۲، ۳۱-۲۸)، پژوهش حاضر با هدف مقایسه نقش‌های جنسیتی مردانه و زنانه با استفاده از دو پرسشنامه مختلف (نقش جنسیتی بم (BSRI) و مقیاس‌های نقش جنسیتی مردانه و زنانه از MMPI-2) در گروهی از مردان و زنان طبیعی ایرانی انجام شد.

روش

پژوهش مقطعی-تحلیلی حاضر در سال ۱۳۸۸ انجام شد. با توجه به اینکه یکی از اهداف مطالعه حاضر، تعیین همبستگی نمره‌های دو پرسشنامه بود، برای تخمین حجم نمونه لازم از فرمول لاجین^۱ (۱۹۸۱) (۳۲) استفاده شد:

$$n = \left(\frac{z_{\alpha} + z_{\beta}}{C(r)} \right)^2 + 3$$

که در آن:

$$C(r) = \frac{1}{2} \log_e \frac{1+r}{1-r}$$

با در نظر گرفتن $\beta=0/8$ و $\alpha=0/05$ برای معنی‌دار شدن ضریب همبستگی معادل ۰/۳ میان دو پرسشنامه، به ۸۴ نفر نیاز است. چون تحلیل برای مردان و زنان جداگانه انجام می‌شد، این تعداد به طور تقریبی دو برابر در نظر گرفته شد. در نتیجه، در نهایت، نمونه پژوهش شامل ۸۱ مرد و ۸۹ زن طبیعی بود. این افراد به طور تصادفی از میان کارکنان انستیتو روانپزشکی تهران و بیمارستان مجیبیان شهر یزد انتخاب شدند. این دو مرکز با توجه به امکان نمونه‌گیری تصادفی در آنها و پوشش مناسب نمونه، به سبب عدم تجانس نمونه‌ها، انتخاب شدند. معیار طبیعی بودن در پژوهش حاضر، عدم تعارض با جنسیت زیستی افراد بود. برای سنجش نقش‌های جنسیتی از دو پرسشنامه استفاده شد:

مقیاس‌های نقش جنسیتی مردانه^۲ (GM) و نقش جنسیتی زنانه^۳ (GF): از MMPI-2 این دو مقیاس از میان گویه‌های اصلی MMPI-2، توسط پترسون^۴ و دالستروم^۵ (۱۹۹۲) تعریف و نمره‌گذاری شده‌اند (۳۳). در این دو مقیاس، فقط عباراتی انتخاب شدند که دست کم ۷۰٪ افراد متعلق به یکی از دو جنسیت آنها را تأیید می‌کردند و میان دو جنسیت، دست کم ۱۰٪ تفاوت در میزان تأیید وجود داشت. فراوانی‌های مربوط به تأیید این عبارات از روی پاسخ‌های کسانی به دست آمده بود که در هنجاریابی مجدد MMPI-2 شرکت کرده بودند.

- | | |
|----------------------------|------------------------|
| 1- Lachin | 2- Gender-Masculine |
| 3- Gender-Feminine | 4- Peterson |
| 5- Dahlstrom | 6- Cronbach's α |
| 7- test-retest reliability | 8- stereotypic |
| 9- median splitting | |

مقایسه آماری این فراوانی‌ها بین زنان و مردان طبیعی صورت گرفت.

در پرسشنامه اصلی BSRI نیز ۶۰ صفت بررسی شده است. مقایسه مردان و زنان نشان داد از بین ۲۰ صفت مردانه پرسشنامه اصلی، در ۹ مورد اختلاف آماری میان مردان و زنان طبیعی وجود داشت و مردان نمره بالاتری به خود داده بودند؛ دفاع کردن از باورهای خود، نیرومند، جرأت‌مند، دارای شخصیت قوی، مردانه، تمایل به شهادت دادن، تک‌رو، رقابت‌جو و جاه‌طلب. از ۲۰ صفت زنانه هم در ۱۰ مورد زنان به‌طور معنی‌داری نمره بالاتری به خود داده بودند؛ باعاطفه، صادق، زنانه، دل‌سوز، درک‌کننده، دل‌رحم، در صدد رفع آزرده‌گی، حساس، خوش‌باور و استفاده نکردن از لحن تند. در ۲۰ صفت خنثی، در ۷ مورد اختلاف آماری میان زنان و مردان طبیعی دیده شد. در چهار مورد (غیرقابل پیش‌بینی، مرموز، بی‌عرضه و نامنظم) مردان نمره بالاتری به خود داده بودند و در سه مورد (موقر، دوستانه و سازگار) نمره زنان بیشتر بود. به این ترتیب، در ویرایش جدید پرسشنامه ۱۳ صفت مردانه و ۱۳ صفت زنانه باقی ماند.

برای تعیین نوع جنسیت از میانه نمره‌ها استفاده شد. در مورد نقش‌های جنسیتی مردانه، میانه نمره‌های مقیاس GM از MMPI-2 و صفات مردانه BSRI در مردان و در مورد نقش‌های جنسیتی زنانه، میانه نمره‌های مقیاس GF از MMPI-2 و صفات زنانه BSRI در زنان ملاک قرار داده شد. افراد به این صورت طبقه‌بندی شدند: دوجنسیتی: نمره مردانگی بالاتر از میانه نمرات مردان در هر یک از مقیاس‌های مردانگی و نمره زنانگی بالاتر از میانه نمرات زنان در هر یک از مقیاس‌های زنانگی؛ نوعاً مردانه: نمره مردانگی بالاتر از میانه نمرات مردان در هر یک از مقیاس‌های مردانگی و نمره زنانگی پایین‌تر از میانه نمرات زنان در هر یک از مقیاس‌های زنانگی؛ نوعاً زنانه: نمره مردانگی پایین‌تر از میانه نمرات مردان در هر یک از مقیاس‌های مردانگی و نمره زنانگی بالاتر از میانه نمرات زنان در هر یک از مقیاس‌های زنانگی؛ نامتمايز: نمره مردانگی پایین‌تر از میانه نمرات مردان در هر یک از مقیاس‌های مردانگی و نمره زنانگی پایین‌تر از میانه نمرات زنان در هر یک از مقیاس‌های زنانگی.

داده‌ها با کمک نرم‌افزار SPSS-14^۳ تحلیل شدند. برای مقایسه نمونه‌ها بین دو گروه از آزمون‌های t مستقل و مجذور خی استفاده شد. همبستگی یافته‌های حاصل از دو پرسشنامه با

بعد نمره‌ای بین ۱ تا ۷ به‌دست می‌آید. به‌طور سنتی میانه ۴/۹ برای هر بعد در نظر گرفته می‌شود و افراد به این صورت طبقه‌بندی می‌شوند: «دوجنسیتی^۱»: نمره مردانگی < ۴/۹ و نمره زنانگی < ۴/۹؛ «نوعاً مردانه»: نمره مردانگی < ۴/۹ و نمره زنانگی > ۴/۹؛ «نوعاً زنانه»: نمره مردانگی > ۴/۹ و نمره زنانگی < ۴/۹ و «نامتمايز»: نمره مردانگی > ۴/۹ و نمره زنانگی > ۴/۹. روایی و پایایی BSRI بارها مطلوب گزارش شده است (۳۵). ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس مردانگی ۰/۸۶ و برای مقیاس زنانگی ۰/۸۲ و پایایی بازآزمایی برای هر یک از دو مقیاس مردانگی و زنانگی ۰/۹۰ به‌دست آمده است (۱۵). در یک پژوهش دیگر ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس مردانگی ۰/۷۸ و برای مقیاس زنانگی ۰/۸۶ محاسبه شد (۳۶).

برای تکمیل پرسشنامه‌ها، افراد در محیطی آرام و در حضور یکی از همکاران پژوهش، پرسشنامه را تکمیل می‌کردند. به آنها توضیح داده شد که در تکمیل پرسشنامه‌ها مختارند و نتایج انفرادی پرسشنامه‌ها محرمانه باقی می‌ماند. تمام افراد رضایت کتبی و آزادانه خود را برای شرکت در مطالعه اعلام کردند. تلاش شد تا تمام پرسشنامه‌ها به‌طور کامل تکمیل شوند. محدودیت زمانی برای تکمیل پرسشنامه‌ها در نظر گرفته نشد.

داده‌ها ابتدا با استفاده از دستورالعمل اصلی پرسشنامه‌ها تحلیل شدند. سپس بر اساس داده‌های به‌دست آمده، هنجار^۲ متناسب برای جمعیت ایرانی محاسبه شد. در مورد مقیاس‌های GM و GF از MMPI-2، ابتدا توزیع فراوانی گویه‌ها میان مردان و زنان مقایسه شد. سپس گویه‌هایی در تحلیل هنجار ایرانی استفاده شد که در آنها توزیع فراوانی پاسخ‌های مردان و زنان تفاوت آماری معنی‌داری ($p < 0.05$) داشت. تحلیل آماری نشان داد در مورد ۴۰ گویه، اختلاف آماری میان زنان و مردان وجود نداشت. این ۴۰ مورد، شامل ۴۳ درصد گویه‌های فرم کامل ۹۳ گویه‌ای مقیاس‌های GM و GF از پرسشنامه اصلی MMPI-2 بود (۲۰ گویه از مقیاس GM و ۲۰ گویه از مقیاس GF). از سوی دیگر، در فرم کامل ۹۳ گویه‌ای مقیاس‌های GM و GF اولیه، هیچ گویه‌ای در دو مقیاس مشترک نبود، ولی برخلاف آن، در مقیاس ۵۳ گویه‌ای جدید، ۲۹ گویه (۵۴/۷ درصد) میان دو مقیاس مشترک بود. طبقه‌بندی جدید گویه‌ها، با توجه به درصد فراوانی پاسخ‌های مثبت و منفی به هر گویه و

1- androgynous 2- norm
3- Statistical Package for the Social Science-version 14

۳۵ بود. در مقیاس‌های جدید، میانه نمره مقیاس مردانگی در مردان، ۲۸ و میانه مقیاس زنانگی در زنان، ۳۱ به دست آمد. **جدول ۲** طبقه‌بندی نوع جنسیت افراد را بر این اساس نشان می‌دهد.

برای مقایسه نمره افراد در مقیاس‌های جدید و اصلی GM و GF ضریب همبستگی پیرسون به کار رفت؛ ضریب همبستگی میان نمره مردانگی (GM) دو نسخه در مردان، زنان و مجموع دو گروه به ترتیب ۰/۷۹۹، ۰/۷۹۲ و ۰/۸۴۳ (در هر سه مورد، $p < ۰/۰۰۱$) بود. این ضریب میان نمره زنانگی (GF) دو نسخه در مردان، زنان و مجموع دو گروه به ترتیب ۰/۸۳۹، ۰/۳۸۱ و ۰/۸۲۳ (در هر سه مورد $p < ۰/۰۰۱$) به دست آمد. همچنین ضریب همبستگی پیرسون میان نمره مقیاس‌های مردانگی و زنانگی مردان در دو نسخه اصلی و جدید، به ترتیب ۰/۴۰۸- و ۰/۸۱۱- (در هر دو مورد $p < ۰/۰۰۱$) و در مورد زنان در دو نسخه اصلی و جدید، به ترتیب ۰/۲۰۵- و ۰/۵۴ ($p = ۰/۰۵۴$) و ۰/۸۷۲- ($p < ۰/۰۰۱$) و در مورد کل افراد نمونه در نسخه اصلی ۰/۵۴۲- و در نسخه جدید ۰/۹۳۳- (در هر دو مورد $p < ۰/۰۰۱$) بود.

استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و توافق بین دو پرسشنامه با استفاده از آماره کاپا گزارش شد. ضرایب آلفای کرونباخ برای هر پرسشنامه محاسبه شد. خطای نوع اول ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها

میانگین (\pm انحراف معیار) سن مردان و زنان به ترتیب $۳۰/۸۵ \pm ۹/۱$ و $۳۰/۲۱ \pm ۹/۱$ سال بود ($t = ۰/۲۱۳$ ؛ $p = ۰/۸۲۹$). در مردان، ۱۸ نفر (۲۲/۵ درصد) و در زنان، ۱۱ نفر (۱۲/۴ درصد) تحصیلات زیردیپلم داشتند و سطح تحصیلات بقیه دیپلم یا بالاتر بود ($\chi^2 = ۳/۰۴۸$ ؛ $p = ۰/۰۸۱$). مقیاس‌های GM و GF از پرسشنامه MMPI-2 میانگین نمره دو مقیاس GM و GF یک بار بر مبنای نسخه اصلی ۹۳ گویه‌ای و یک بار بر اساس نسخه جدید ۵۳ گویه‌ای محاسبه شد (جدول ۱). برای تعیین نوع جنسیت افراد بر اساس مقیاس‌های GM و GF از میانه استفاده شد؛ میانه نمره مردان در مقیاس GM نسخه اصلی، ۳۰ و میانه نمره زنان در مقیاس GF نسخه اصلی،

جدول ۱- بررسی توصیفی نمره مردانگی (مقیاس GM) و زنانگی (مقیاس GF) از پرسشنامه MMPI-2 در دو نسخه اصلی (۹۳ گویه‌ای) و جدید (۵۳ گویه‌ای)

مقیاس GF		مقیاس GM		
فاصله اطمینان ۹۵٪	میانگین (انحراف معیار) برای میانگین	فاصله اطمینان ۹۵٪	میانگین (انحراف معیار) برای میانگین	
۲۵/۴ تا ۲۸/۱	۲۶/۸ (۶/۳)	۲۹/۶ تا ۳۲/۲	۳۰/۹ (۵/۸)	مردان نسخه اصلی
۳۳/۶ تا ۳۵/۰	۳۴/۳ (۳/۴)	۲۱/۶ تا ۲۴/۲	۲۲/۹ (۶/۲)	زنان
۱۷/۹ تا ۲۰/۳	۱۹/۱ (۵/۳)	۲۷/۱ تا ۲۹/۰	۲۸/۰ (۴/۴)	مردان نسخه جدید
۳۰/۲ تا ۳۱/۶	۳۰/۹ (۳/۳)	۱۶/۰ تا ۱۷/۸	۱۶/۹ (۴/۲)	زنان

جدول ۲- تعیین نوع جنسیت (طبقه‌بندی به چهار دسته مردانه، زنانه، دوجنسیتی و نامتمايز) بر اساس مقیاس‌های اصلی و جدید GM و GF از پرسشنامه MMPI-2 بر پایه فراوانی (و درصد فراوانی)

نامتمايز	زنانه	مردانه	دو جنسیتی	
مردان نسخه اصلی	۸ (۹/۹)	۴۷ (۵۸/۰)	۲ (۲/۵)	
زنان	۴۲ (۴۷/۲)	۷ (۵/۶)	۵ (۵/۶)	
مردان نسخه جدید	-	۴۲ (۵۱/۹)	-	
زنان	۳۳ (۳۷/۱)	۵۶ (۶۲/۹)	-	

پرسشنامه نقش جنسیتی بم

میانگین نمره زنانه و مردانه BSRI بر اساس دو نسخه اصلی (۲۰ صفت برای هر نقش جنسیتی) و جدید (۱۳ صفت برای هر نقش جنسیتی) در **جدول ۳** آمده است. برای تعیین نوع جنسیت از نمره میانه استفاده شد؛ در پرسشنامه اصلی میانه نمره مردان در مورد نقش جنسیتی مردانه ۴/۶۰ و میانه نمره زنان در مورد نقش جنسیتی زنانه ۵/۱۰ بود. در پرسشنامه جدید، میانه نمره مردان در مورد نقش جنسیتی مردانه ۴/۴۶ و میانه نمره زنان در مورد نقش جنسیتی زنانه ۵/۶۹ بود (**جدول ۴**). میان طبقه‌بندی‌های اصلی و جدید BSRI تطابق آماری متوسطی وجود داشت (آماره کاپا=۰/۵۰؛ خطای معیار=۰/۰۴۵؛ $p < ۰/۰۰۱$). همچنین طبقه افراد در ۱۳۳ مورد (۶۳/۶ درصد) بر اساس دو نسخه پرسشنامه مشابه بود. همبستگی نمره افراد در مقیاس‌های جدید و اصلی BSRI قدرتمند بود. ضریب همبستگی پیرسون میان نمره دو نسخه در

نقش جنسیتی مردانه ۰/۸۱۴ و در نقش جنسیتی زنانه ۰/۹۰۱ بود (در هر دو مورد $p < ۰/۰۰۱$). ضرایب همبستگی یادشده در گروه مردان به ترتیب ۰/۸۰۵ و ۰/۹۲۵، و در گروه زنان به ترتیب ۰/۸۴۱ و ۰/۸۶۸ بود (در تمام موارد، $p < ۰/۰۰۱$). میان نمره نقش‌های جنسیتی مردانه و زنانه در نسخه اصلی پرسشنامه رابطه آماری وجود نداشت ($r = -۰/۰۶۹$ ؛ $p = ۰/۳۲۴$). این ضریب در مورد پرسشنامه جدید معنی‌دار، ولی ضعیف بود ($r = -۰/۱۶۸$ ؛ $p = ۰/۰۱۵$). در گروه مردان طبیعی دو ضریب همبستگی یادشده به ترتیب ۰/۰۷۱ ($p = ۰/۵۲۸$) و ۰/۰۴۴ ($p = ۰/۶۹۴$) و در گروه زنان طبیعی به ترتیب ۰/۰۸۸ ($p = ۰/۴۱۰$) و ۰/۰۸۳ ($p = ۰/۴۳۹$) بود.

مقایسه مقیاس‌های مردانگی و زنانگی در MMPI-2 با BSRI ثبات داخلی دو نسخه هر یک از دو پرسشنامه، به تفکیک جنسیت، در **جدول ۵** آمده است.

جدول ۳- بررسی توصیفی نمره زنانه و مردانه در پرسشنامه نقش‌های جنسیتی بم (BSRI) در دو نسخه اصلی و جدید

پرسشنامه اصلی	نقش جنسیتی مردانه	مردان	میانگین \pm انحراف معیار	فاصله اطمینان ۹۵٪ برای میانگین
پرسشنامه اصلی	نقش جنسیتی مردانه	مردان	۴/۷ \pm ۰/۹	۴/۸۹ تا ۴/۴۹
		زنان	۴/۲ \pm ۱/۰	۴/۴۴ تا ۴/۰۲
	نقش جنسیتی زنانه	مردان	۴/۵ \pm ۰/۹	۴/۷۱ تا ۴/۳۳
		زنان	۵/۰ \pm ۰/۷	۵/۱۷ تا ۴/۸۷
پرسشنامه جدید	نقش جنسیتی مردانه	مردان	۴/۵ \pm ۰/۸	۴/۷۱ تا ۴/۳۶
		زنان	۳/۷ \pm ۰/۷	۳/۸۳ تا ۳/۵۵
	نقش جنسیتی زنانه	مردان	۴/۹ \pm ۰/۸	۵/۰۳ تا ۴/۶۷
		زنان	۵/۷ \pm ۰/۸	۵/۸۲ تا ۵/۴۸

جدول ۴- تعیین نوع جنسیت (طبقه‌بندی به چهار دسته مردانه، زنانه، دوجنسی و نامتماز) بر اساس مقیاس اصلی و جدید BSRI بر پایه فراوانی (و درصد فراوانی)

نامتماز	زنان	مردانه	دوجنسی
پرسشنامه اصلی	مردان	۲۸ (۳۵/۸)	۱۱ (۱۳/۶)
	زنان	۲۹ (۳۲/۶)	۱۸ (۲۰/۲)
پرسشنامه جدید	مردان	۳۲ (۳۹/۵)	۵ (۶/۲)
	زنان	۳۲ (۳۶/۰)	۹ (۱۰/۱)

مردان ۰/۵۳۸ (p<۰/۰۰۱) و در زنان ۰/۱۹۴ (p=۰/۰۶۸) بود. در نسخه‌های جدید، ضریب همبستگی دو نمره در کل افراد ۰/۵۲۸ و در مردان ۰/۴۷۹ بود (هر دو مورد، p<۰/۰۰۱) اما این ضریب در زنان معنی‌دار نشد (r=۰/۳۵۴؛ p=۰/۰۹۹). مقایسه دو پرسشنامه از نظر طبقه‌بندی توافقی افراد به چهار گروه زنانه، مردانه، نامتمایز و دوجنسیتی در مورد نسخ اصلی نشان داد تنها در ۹۹ نفر (۴۷/۴ درصد) هر دو طبقه‌بندی یکسان بود (ضریب کاپا=۰/۲۶۹؛ خطای استاندارد=۰/۰۴۵؛ p<۰/۰۰۱). توافق خام دو پرسشنامه، در مورد نسخ جدید، تنها اندکی بیشتر بود؛ انطباق هر دو طبقه‌بندی در ۱۰۲ مورد (۴۸/۸ درصد). آماره کاپا در این مورد محاسبه نشد (جدول ۶).

ضریب همبستگی پیرسون میان مقیاس GM از پرسشنامه MMPI-2 و نمره نقش جنسیتی مردانه در BSRI در نسخه‌های اصلی معنی‌دار و متوسط بود؛ این ضریب در مردان ۰/۴۳۴، در زنان ۰/۵۶۷ و در کل افراد ۰/۵۴۲ بود (در هر سه مورد، p<۰/۰۰۱). در مقایسه دو نسخه جدید نیز ضریب همبستگی یادشده در کل افراد ۰/۵۳۰ بود (p<۰/۰۰۱)، اما در مورد زنان به ۰/۳۲۹ (p=۰/۰۰۲) کاهش یافت و در مورد مردان معنی‌دار نبود (r=۰/۱۸۳؛ p=۰/۱۰۳). در نسخ اصلی دو پرسشنامه، ضریب همبستگی پیرسون میان نمره مقیاس GF از پرسشنامه MMPI-2 و نمره نقش جنسیتی زنانه در BSRI در کل افراد ۰/۴۹۹ (p<۰/۰۰۱) در

جدول ۵- ثبات داخلی مقیاس‌های MG و MF از MMPI-2 و پرسشنامه نقش جنسیتی بم (BSRI)

پرسشنامه نقش جنسیتی بم		پرسشنامه MMPI-2			
ضریب اسپیرمن- براون	ضریب آلفای کرونباخ	ضریب اسپیرمن- براون	ضریب آلفای کرونباخ		
۰/۷۵۴	۰/۸۷۱	۰/۵۶۰	۰/۷۳۳	مردان	نقش جنسیتی مردانه
۰/۸۷۳	۰/۹۰۰	۰/۵۹۵	۰/۷۴۳	زنان	
۰/۸۲۲	۰/۸۸۷	۰/۷۰۹	۰/۸۱۴	کل افراد	
۰/۸۷۹	۰/۸۷۲	۰/۸۱۶	۰/۷۷۲	مردان	نقش جنسیتی زنانه
۰/۸۴۱	۰/۸۳۱	۰/۳۷۴	۰/۳۴۲	زنان	
۰/۸۶۹	۰/۸۵۷	۰/۸۱۳	۰/۷۸۰	کل افراد	
۰/۸۱۸	۰/۷۱۹	۰/۳۵۷	۰/۵۷۷	مردان	نقش جنسیتی مردانه
۰/۸۵۰	۰/۵۳۴	۰/۴۱۶	۰/۵۴۴	زنان	
۰/۸۵۰	۰/۷۱۷	۰/۷۶۹	۰/۸۳۱	کل افراد	
۰/۷۴۶	۰/۵۰۲	۰/۴۷۴	۰/۶۹۹	مردان	نقش جنسیتی زنانه
۰/۸۳۸	۰/۳۳۷	۰/۰۱۴	۰/۳۵۱	زنان	
۰/۸۲۵	۰/۵۶۴	۰/۷۵۶	۰/۸۹۴	کل افراد	

جدول ۶- مقایسه فراوانی (و درصد فراوانی) طبقه‌بندی افراد به چهار دسته مردانه، زنانه، دوجنسیتی و نامتمایز، بر اساس نمره مقیاس‌های GM و GF از پرسشنامه MMPI و نقش‌های جنسیتی مردانه و زنانه بر اساس پرسشنامه نقش جنسیتی بم (BSRI) در دو نسخه اصلی و جدید

الف. پرسشنامه‌های اصلی

BSRI				
نامتمایز	زنانه	مردانه	دوجنسیتی	
۲۹ (۱۳/۹)	۱۶ (۷/۷)	۱۵ (۷/۲)	۱۰ (۴/۸)	نامتمایز
۱۷ (۸/۱)	۲۴ (۱۱/۵)	۶ (۲/۹)	۱۲ (۵/۷)	زنانه
۱۳ (۶/۲)	۳ (۱/۴)	۴۶ (۲۲/۰)	۱۱ (۵/۳)	مردانه
۲ (۱/۰)	۳ (۱/۴)	۲ (۱/۰)	-	دوجنسیتی

ب. پرسشنامه‌های جدید

BSRI				
نامتمایز	زنانه	مردانه	دوجنسیتی	
۳۳ (۱۵/۸)	۲۷ (۱۲/۹)	۱۷ (۸/۱)	۵ (۲/۴)	نامتمایز
۲۲ (۱۰/۵)	۳۰ (۱۴/۴)	۳ (۱/۴)	۹ (۴/۳)	زنانه
۲۱ (۱۰/۰)	-	۳۹ (۱۸/۷)	۳ (۱/۴)	مردانه
-	-	-	-	دوجنسیتی

بحث

سازه‌های مرتبط با نقش و هویت جنسیتی ناهمگون هستند. در یکی از جامع‌ترین دیدگاه‌ها، تمایز جنسیت‌ها در دو بعد معزای نگرش به دیگران یا سنجه‌های نگرشی^۱ و تعیین جنسیت خود یا سنجه‌های شخصی^۲ صورت می‌گیرد که هر کدام حوزه‌های متعددی، مانند ترجیح شغلی، فعالیت‌ها و صفات را در بر دارد (۳۷). در نتیجه روایی سازه پرسشنامه‌های نقش‌های جنسیتی یا طرح‌واره‌های مرتبط با آن مورد مناقشه است. اگرچه دو پرسشنامه مورد استفاده در این مطالعه از جمله ابزارهای رایج اندازه‌گیری نقش‌های جنسیتی هستند، انتقادهایی به هر یک از این دو پرسشنامه وارد شده است. پترسون و دالستروم امیدوار بودند با تفسیر تلفیقی دو مقیاس GM و GF از پرسشنامه اصلی MMPI-2 بتوانند شاخص‌های مستقل و تک‌قطبی مردانگی (GM) و زنانگی (GF) را تدوین کنند و بر اساس برافراشتگی این دو مقیاس، افراد را به مردانه (GM بلند، GF کوتاه)، زنانه (GM کوتاه، GF بلند)، دوجنسیتی (GM بلند، GF بلند) و نامتمایز (GM کوتاه، GF کوتاه) طبقه‌بندی کردند (۳۳). آنها نشان دادند مقیاس GM در مردان با اعتماد به نفس بالا، پشتکار و علایق گسترده و نیز با فقدان ترس‌ها یا احساس‌های خودمرجعی^۳ ارتباط داشت. این مقیاس در زنان نیز با اعتماد به نفس بالا، همراه با صداقت، تمایل به تجارب جدید و فقدان نگرانی یا احساس‌های خودمرجعی مرتبط بود. مقیاس GF در مردان با شدیداً مذهبی بودن^۴، پرهیز از دشنام دادن یا نفرین کردن و با تذکر دادن زیاد اشتباه دیگران ارتباط داشت. این مقیاس در مردان با ریاست‌طلبی و اشکال در کنترل خشم نیز مرتبط بود. ارتباط مقیاس GF در زنان با شدیداً مذهبی بودن و مصرف مواد غیرمجاز نیز نشان داده شد.

بررسی محتوای گویه‌های مقیاس GM نشان می‌دهد که این گویه‌ها به‌طور عمده به موضوعاتی مانند انکار ترس‌ها، اضطراب‌ها و نشانه‌های جسمانی مربوطند. برخی دیگر از گویه‌های این مقیاس به علاقه به فعالیت‌های کلیشه‌ای مردانه، مانند خواندن داستان‌های ماجراجویانه و انکار علاقه به مشاغل کلیشه‌ای زنانه، مثل پرستاری و کتابداری، اختصاص دارد. سایر مواد مقیاس GM موضوعاتی مانند انکار احساساتی بودن شدید و نشان دادن خود به‌عنوان فردی مستقل، قاطع و دارای اعتماد به نفس بالا را مطرح می‌سازند. در مقابل، تعداد زیادی از گویه‌های مقیاس GF انکار اعمال غیراجتماعی یا

ضداجتماعی، مانند مشکل داشتن با قانون یا در مدرسه و استفاده مفرط از الکل را نشان می‌دهند. برخی از دیگر گویه‌های این مقیاس درباره علاقه به فعالیت‌های کلیشه‌ای زنانه، مانند آشپزی و پرورش گیاه، و بی‌علاقگی به فعالیت‌های کلیشه‌ای مردانه، مثل مطالعه مجلات فنی و شرکت در مسابقات اتومبیل‌رانی، هستند. چند گویه نیز به پذیرش حساسیت افراطی مربوطند و تعدادی نیز بیان‌کننده همانندسازی اولیه با شخصیت‌های زن و خشنودی از زن بودن هستند.

جنتری^۵ و مه‌یر^۶ دریافتند مقیاس GM با عزت نفس همبستگی مثبت و بالا و با شاخص‌های آسیب‌شناختی روانی، به‌همان اندازه، همبستگی منفی دارد (۳۸). آنها همچنین نشان دادند مقیاس GF با هیچ‌یک از شاخص‌های عزت نفس یا آسیب‌شناختی روانی همبستگی ندارد. بنابراین ممکن است این مقیاس‌ها ویژگی‌هایی غیر از مردانگی و زنانگی را نیز اندازه بگیرند.

داک‌ورث^۷ و اندرسون^۸ گزارش کردند مقیاس GM با بهداشت روانی خوب همبستگی دارد (۳۹). به‌طور کلی، نمره دانشجویان مرد و زن، در دوره‌های پس از لیسانس، در این مقیاس ۵۰ یا بالاتر بود. از سوی دیگر، نمره‌های افراد در مقیاس GF بسیار گوناگون بود. آنها پیشنهاد کردند تا زمانی که پژوهش‌های بیشتری درباره این دو مقیاس انجام شود، بهتر است مقیاس GM شاخصی کلی از سلامت روان در نظر گرفته شده، در تفسیر مقیاس GF احتیاط شود.

در مقیاس‌های GM و GF اصلی، به ترتیب ۴۷ و ۴۶ گویه وجود دارد که هیچ‌گونه هم‌پوشانی با هم ندارند. اما محتوای گویه‌ها نشان می‌دهد این موضوع قاطعی نیست. برای مثال، گویه ۷۳ پرسشنامه MMPI-2 (واقعاً اعتماد به نفس ندارم) در مقیاس GM و گویه ۲۳۹ پرسشنامه MMPI-2 (کاملاً اعتماد به نفس دارم) در مقیاس GF قرار می‌گیرد. به بیان دیگر، با وجود این ادعا که مقیاس‌های زنانگی و مردانگی به‌طور کامل مستقل از هم طراحی شده‌اند، داشتن اعتماد به نفس خصلتی مردانه و نداشتن آن خصلتی زنانه دانسته شده است. نمونه دیگر گویه‌های متقابل، گویه ۴۷۴ پرسشنامه MMPI-2 (گویه ۸۰ پرسشنامه ارائه‌شده به آزمودنی‌ها) است که به‌طور مستقیم

1- attitude measures
3- self-reference
5- Gentry
7- Duckworth

2- personal measures
4- religiosity
6- Meyer
8- Anderson

عمل شد. افزون بر این، در پژوهش حاضر، این طور در نظر گرفته شد که اگر پاسخ غالب یکی از دو جنسیت به گویه مثبت و پاسخ غالب جنسیت دیگر منفی باشد، مشروط به معنی دار شدن آزمون مجذور کای، داشتن آن صفت در یکی از دو جنسیت و نداشتن آن در جنسیت دیگر کلیشه‌ای است. اما اگر پاسخ غالب هر دو جنسیت به یک گویه یکسان باشد، آن پاسخ، پاسخ عمومی جامعه است و تنها در صورتی می‌توان آن را مردانه یا زنانه دانست که اختلاف آماری در توزیع پاسخ‌های دو جنس وجود داشته باشد. انتظار بر این بود که با توجه به معیارهای جدید، ضریب همبستگی بین مقیاس‌های GM و GF در پرسشنامه افزایش یابد که در عمل نیز همین طور بود و این ضریب از ۰/۵۴۲- به ۰/۹۳۳- افزایش یافت. یکی از دلایل عمده افزایش قابل توجه در ضریب همبستگی میان نمره‌های GM و GF افراد نمونه، مشترک بودن ۲۹ گویه از ۵۳ گویه (۵۴/۷ درصد گویه‌ها) بین دو مقیاس بود.

از سوی دیگر، میان نمره‌های اصلی و جدید دو مقیاس GM و GF همبستگی قدرتمندی دیده شد. ضریب همبستگی پیرسون در هر دو مورد بالاتر از ۰/۸ بود که نشان می‌دهد مقیاس‌های جدید و اصلی هم‌راستا هستند و احتمالاً سازه مشترکی را اندازه می‌گیرند. تنها در ۴ مورد از ۹۳ گویه مقیاس‌های اصلی، گروه‌های گویه‌ها به‌طور کامل تغییر کرده بود.

طبقه‌بندی افراد در چهار گروه مردانه، زنانه، دو جنسیتی و نامتمايز بين دو شکل پرسشنامه چندان هماهنگ نبود و تنها در کمتر از دو سوم افراد طبقه‌بندی مشابهی وجود داشت که می‌توان عمده دلیل تفاوت را به تغییر در ترکیب‌بندی گویه‌ها و نیز تفاوت‌های واقعی جامعه آمریکایی و ایرانی نسبت داد. طبیعی است وقتی صفتی در جامعه آمریکا به‌طور کلیشه‌ای مربوط به یک جنسیت دانسته شود، اما در جامعه دیگر چنین نباشد، طبقه‌بندی افراد بر اساس این صفت یکسان نخواهد بود. از سوی دیگر، BSRI نیز با انتقادهایی همراه بوده است. برخی پژوهشگران بر این باورند که این مقیاس تنها جنبه‌های مثبت و مطلوب خصوصیات جنسیتی را در نظر گرفته است (۴۰). به باور آنها، برای آزمون این فرضیه که «ترکیب خصوصیات مردانه و زنانه پیش‌بینی‌کننده سلامت روان‌شناختی افراد است»، لازم است تا مقیاس‌های مربوط به

دو خصلت کلیشه‌ای مردانه و زنانه را رویه‌روی هم قرار داده است (داستان‌های ماجراجویانه را بیشتر از داستان‌های عشقی دوست دارم). گویه‌های ۳۴ و ۴۶ پرسشنامه ارائه شده به آزمودنی‌ها نیز چنین هستند: «اگر خبرنگار بودم، خیلی دوست داشتم اخبار مربوط به تئاتر را گزارش کنم» (GM) / «اگر خبرنگار بودم، دوست داشتم اخبار ورزشی را گزارش کنم» (GF). نمونه دیگر گویه «هیچ وقت نگران قیافه‌ام نیستم» در مقیاس GF و گویه «از اینکه چندان خوش قیافه نیستم، زیاد ناراحت نمی‌شوم» در مقیاس GM است. در کل، ضریب همبستگی مقیاس‌های GM و GF اصلی ۰/۵۴۲- بود که نشانگر همبستگی منفی و متوسط تا نسبتاً قدرتمند است، یعنی این نمره‌ها چندان مستقل از هم نیستند.

گویه‌های این دو مقیاس جنبه‌های متفاوتی از خصوصیات فردی را در بر می‌گیرند، مانند ترس‌ها و اضطراب‌ها، خصوصیات روان‌تنی^۱ و جسمانی شکل^۲، ترجیح‌های شغلی و تفریحی و مانند اینها. ولی گویه‌ها بین دو مقیاس GM و GF توزیع متناسبی ندارند. برای مثال در ۹ گویه از مقیاس‌های کامل موضوعاتی مانند نشانه‌های جسمانی^۳، روان‌تنی و جسمانی شکل مطرح شده است. از این تعداد، ۷ گویه در مقیاس مردانه و ۲ گویه در مقیاس زنانه گنجانده شده است. هم چنین ۱۰ گویه به بررسی ترس‌ها و اضطراب‌ها پرداخته است که همه آنها در مقیاس GM گنجانده شده‌اند.

در مقیاس‌های جدید، در کل ۵۳ گویه وجود دارد. یعنی ۴۳ درصد گویه‌ها (۴۰ گویه)، به دلیل اینکه میان زنان و مردان نمونه تفاوت آماری نداشتند، کنار گذاشته شدند. شاید نخستین توجیهی که ذهن برسد، تفاوت در الگوهای کلیشه‌ای رفتار، نگرش و عملکرد مردانه و زنانه در جامعه آمریکایی و ایرانی باشد. این تفاوت‌ها را می‌توان نتیجه محدودیت تعداد نمونه نیز دانست. اگرچه با تعداد نمونه شرکت‌کننده در پژوهش حاضر، اختلاف بیش از ۱۵ درصد بین پاسخ‌ها از نظر آماری معنی‌دار می‌شد که به‌طور منطقی قابل قبول است. پترسون و دالستروم اختلاف دست کم ۱۰ درصد در افراد دو جنس را از شرایط انتخاب گویه‌ها می‌دانستند (۳۳). معیار اولیه ورود گویه‌ها به مقیاس‌ها در مورد مقیاس‌های اصلی، فراوانی دست کم ۷۰ درصد در یکی از دو پاسخ بود، که در پژوهش حاضر به ۵۰ درصد کاهش یافت و این کمی سهل‌تر به‌نظر می‌رسید. اما معیار دوم (تفاوت ۱۰ درصد و ۱۵ درصد) نشان می‌دهد در مرحله بعد، در پژوهش حاضر، محافظه کارانه‌تر

1- psychosomatic
3- somatic

2- somatoform

نشان می‌دهد در این مقیاس‌ها دو سازه مردانگی و زنانگی در جهت عکس هم حرکت می‌کنند. در مقابل، این ضریب در BSRI تنها ۰/۱۶۸- بود که نشان می‌دهد در BSRI سازه‌های مردانه و زنانه جدا هستند.

ضرایب همبستگی میان نمره مقیاس GM و نقش جنسیتی مردانه در BSRI ($r=0/530$) و نیز میان نمره مقیاس GF و نقش جنسیتی زنانه در BSRI ($r=0/528$) نشان می‌دهد این دو پرسشنامه در یک راستا نیستند. با فرض اینکه هر دو پرسشنامه در حقیقت نقش‌های جنسیتی را ارزیابی می‌کنند، می‌توان تصور کرد هر کدام از دو پرسشنامه جنبه‌های خاصی از زنانگی و مردانگی را اندازه می‌گیرند، اما میان آنها هم‌پوشانی دیده می‌شود. این یافته‌ها در راستای پژوهش‌های اخیر است. از جمله نشان داده شده است که پرسشنامه نقش جنسیتی بم، پرسشنامه‌ای چندبعدی است که با پرسشنامه‌های دیگر بررسی نقش جنسیتی، مانند PAQ، همبستگی کاملی ندارد (۴۲). اما هر یک از این پرسشنامه‌ها در بررسی ابعادی از مردانگی و زنانگی مفید هستند.

در کل، به نظر می‌رسد اگرچه هم پرسشنامه نقش جنسیتی بم و هم مقیاس‌های GM و GF از MMPI-2 نقش‌های جنسیتی را اندازه‌گیری می‌کنند، ابعاد متفاوتی از این متغیر در هر یک از پرسشنامه‌ها سنجیده می‌شود. این پرسشنامه‌ها ثبات داخلی مناسب و همبستگی متوسط و معناداری با هم دارند. کاربرد این دو پرسشنامه در کنار یکدیگر به شناخت بیشتری از خصوصیات جنسیتی افراد منجر می‌شود. از سوی دیگر، مقایسه نمره پرسشنامه‌های هنجار ایرانی با پرسشنامه‌های اصلی، اگرچه مطابقت نسبی را نشان می‌دهد که دال بر فراگیری بودن نقش‌های جنسیتی تلقی می‌شود، نشان‌دهنده برخی خصوصیات مختص به فرهنگ نیز هست.

سپاسگزاری

نویسندگان از زحمات خانم خدیجه محسن‌نیا، به سبب همکاری بی‌دریغشان در جمع‌آوری نمونه‌ها، و دکتر مسعود احمدزاد اصل، به سبب بازبینی منشور اولیه پژوهش، تشکر می‌کنند.

[این مقاله برگرفته از پایان‌نامه تخصصی روانپزشکی نویسنده اول است].

[بنا به اظهار نویسنده مسئول مقاله، حمایت مالی از پژوهش و تعارض منافع وجود نداشته است].

مردان و زنان، هر دو دسته خصوصیات مثبت و منفی یک جنسیت را در نظر بگیرند. با این حال، برخی صفات عنوان‌شده در پرسشنامه، خصوصیات مطلوب مطلق نیستند (مانند بی‌عرضه، جاه‌طلب یا مطیع بودن). در هر حال، به نظر می‌رسد این مقیاس شامل خصوصیات هنجاری می‌شود که به لحاظ فرهنگی مشترکند (۴۱).

کلیدهای بودن صفات مندرج در فهرست بم برای یک جنسیت، بر پایه فرهنگ جامعه آمریکایی تعیین شده است. بررسی‌های انجام‌شده در ایالات متحده نشان می‌دهد که درک افراد از مردانگی و زنانگی در طول حدود دو دهه (از اواسط دهه ۱۹۷۰ تا اواسط دهه ۱۹۹۰) تغییر نکرده بود، اما تفاوت نمره زنان و مردان در سال ۱۹۷۴ نسبت به این تفاوت در سال ۱۹۹۸، کاهش یافته بود. گویی از کلیدهای بودن صفات کاسته شده بود (۳۴).

در پژوهش حاضر، در ۱۱ صفت مردانه و ۱۰ صفت زنانه، میان زنان و مردان تفاوت آماری وجود نداشت. در مقابل زنان و مردان در ۷ مورد از ۲۰ صفت خنثی تفاوت داشتند. بنابراین، با توجه به اینکه تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی دست کم یکی از دلایل تفاوت در بررسی‌های آمریکایی و ایرانی است، در پژوهش حاضر، صفات فهرست بم دوباره به سه دسته مردانه، زنانه و خنثی تقسیم شد. به طور سنتی، از میانه ۴/۹ در هر دسته از صفات برای تعیین مردانه یا زنانه بودن نقش جنسیتی استفاده می‌شود. این عدد بر این مبنای منطقی تعیین شده که به عبارت «بیشتر از گاهی درست است» نمره ۴ و به عبارت «اغلب درست است» نمره ۵ تعلق می‌گیرد. اما در پژوهش حاضر، میانه نمره مردان در نقش جنسیتی مردانه ۴/۴۶ و میانه نمره زنان در نقش جنسیتی زنانه ۵/۶۹ بود. این تفاوت نیز از تفاوت‌های فرهنگی ناشی شده و البته، تابعی از نگرش فرد به خود است. با این حال، ضرایب همبستگی نقش‌های جنسیتی مردانه و زنانه، بین دو نسخه بالا بود (به ترتیب ۰/۸۱۴ و ۰/۹۰۱). این موضوع فرض هم‌راستایی دو نسخه را تقویت می‌کند. اما مشابه مقیاس‌های GM و GF از پرسشنامه MMPI-2، تنها در کمتر از یک سوم موارد نوع جنسیت افراد بر اساس دو نسخه پرسشنامه یکسان بود. دلایلی مشابه آنچه را که در مورد MMPI-2 گفته شد، می‌توان در این مورد هم محتمل دانست.

همچنین، میان نمره مقیاس‌های GM و GF از MMPI-2 همبستگی منفی قدرتمندی وجود داشت ($r=-0/933$) که

1. Barry H, Bacon MK, Child IL. A cross-cultural survey of some sex differences in socialization. *J Abnorm Psychol.* 1957; 55(3):327-32.
2. Bem SL. Gender schema theory: A cognitive account of sex typing. *Psychol Rev.* 1981; 88(4):354-64.
3. Bailey JM. Gender identity. In Savin-Williams RC, Cohen KM, editors. *The lives of lesbians, gays, and bisexuals: Children to adults.* Fort Worth, TX: Harcourt Brace College; 1996.
4. Gomez-Gil E, Gomez A, Canizares S, Guillamon A, Rametti G, Esteva I, et al. Clinical utility of the Bem sex role inventory in the Spanish transsexual and nontranssexual population. *J Pers Assess.* 2012; 94(3):304-09.
5. Terman LM, Miles CC. *Sex and personality: Studies in masculinity and femininity.* New York: Russell and Russell; 1936.
6. Strong EK. *Vocational interests of men and women.* Stanford, CA: Consulting Psychologists Press; 1943.
7. Hathaway SR. Scale 5 (masculinity-femininity), 6 (paranoia), and 8 (schizophrenia). In: Welsh GS, Dahlstrom GW, editors. *Basic readings on the MMPI: A new selection on personality assessment.* Minneapolis, MN: Minnesota Press; 1980.
8. Gough HB. *CPI Administrators Guide.* Palo Alto: Consulting Psychologists Press; 1985.
9. Constantinople A. Masculinity-femininity: An expectation to famous Dictum? *Psychol Bull.* 1973; 80(5):389-407.
10. Lawrence KA, Taylor D, Byers ES. Differences in men's and women's global, sexual, and ideal-sexual expressiveness and instrumentality. *Sex Roles.* 1996; 34(5-6):337-57.
11. Castlebury FD, Durham TW. The MMPI-2 GM and GF scales as measures of psychological well-being. *J Clin Psychol.* 1997; 53(8):879-93.
12. Stake JE. When situations call for instrumentality and expressiveness: Resource appraisal, coping strategy choice, and adjustment. *Sex Roles.* 2000; 42(9-10):865-85.
13. Ward CA. Models and measurements of psychological androgyny: A cross-cultural extension of theory and research. *Sex Roles.* 2000; 43(7-8):529-52.
14. Woo M, Oei TPS. Empirical investigations of the MMPI-2 gender-masculine and gender-feminine scales. *J Ind Diff.* 2008; 29(1):1-10.
15. Bem SL. The measurement of psychological androgyny. *J Consult Clin Psych.* 1974; 42(2):165-72.
16. Bem SL. On the utility of alternative procedures for assessing psychological androgyny. *J Consult Clin Psych.* 1977; 45(2):196-205.
17. Bem SL. *Bem sex-role inventory: A professional manual.* Palo Alto, CA: Consulting Psychologist Press; 1981.
18. Spence JT, Helmreich RL, Stapp J. The personal attributes questionnaire: A measure of sex role stereotypes and masculinity-femininity. *JSAS.* 1974; 4:43-4.
19. Spence JT, Helmreich RL. *Masculinity and femininity: Their psychological dimensions, correlates, and antecedents.* Austin, TX: University of Texas Press; 1978.
20. Lippa RA. Gender-related traits in transsexuals and nontranssexuals. *Arch Sex Behav.* 2001; 30(6):603-14.
21. Lippa RA. Gender-related traits of heterosexual and homosexual men and women. *Arch Sex Behav.* 2002; 31(1):83-98.
22. Lurye LE, Zosuls KM, Ruble DN. Gender identity and adjustment: Understanding the impact of individual and normative differences in sex typing. *New Dir Child Adolesc Dev.* 2008; (120):31-46.
23. Egan SK, Perry DG. Gender identity: A multidimensional analysis with implications for psychosocial adjustment. *Dev Psychol.* 2001; 37(4):451-63.
24. DiDonato MD, Berenbaum SA. The benefits and drawbacks of gender typing: How different dimensions are related to psychological adjustment. *Arch Sex Behav.* 2011; 40(2):457-63.
25. Hyde JS. The gender similarities hypothesis. *Am Psychol.* 2005; 60(6):581-92.
26. Lueptow LB. Increasing differentiation of women and men: Gender trait analysis 1974-1997. *Psychol Rep.* 2005; 97(1):277-87.
27. Konrad AM, Ritchie JE Jr, Lieb P, Corrigan E. Sex differences and similarities in job attribute preferences: a meta-analysis. *Psychol Bull.* 2000; 126(4):593-641.

28. Else-Quest NM, Higgins A, Allison C, Morton LC. Gender differences in self-conscious emotional experience: A meta-analysis. *Psychol Bull.* 2012; 138(5):947-81.
29. Hampson E, Ellis CL, Tenk CM. On the relation between 2D:4D and sex dimorphic personality traits. *Arch Sex Behav.* 2008; 37(1):133-44.
30. Schwerdtfeger A, Heims R, Heer J. Digit ratio (2D:4D) is associated with traffic violations for male frequent car drivers. *Accid Anal Prev.* 2010; 42(1):269-74.
31. Voracek M, Pum U, Dressler SG. Investigating digit ratio (2D:4D) in a highly male-dominated occupation: the case of firefighters. *Scand J Psychol.* 2010; 51(2):146-56.
32. Lachin JM. Introduction to sample size determination and power analysis for clinical trials. *Control Clin Trials.* 1981; 2(2):93-113.
33. Peterson CD, Dahlstrom WG. The derivation of gender-role scales GM and GF for MMPI-2 and their relationship to scale 5 (Mf). *J Pers Assess.* 1992; 59(3):486-99.
34. Graham JR. *MMPI2: Assessing personality and psychopathology.* 3rd edition. New York: Oxford University Press; 2000.
35. Holt CL, Ellis JB. Assessing the current validity of the Bem sex-role inventory. *Sex Roles.* 1998; 39(11-12): 929-41.
36. Ballard-Reisch D, Elton M. Gender orientation and the Bem sex role inventory: A psychological construct Revisited. *Sex Roles.* 1992; 27(5):291-306.
37. Liben LS, Bigler RS. The developmental course of gender differentiation: Conceptualization, measuring, and evaluating constructs and pathway. *Monogr Soc Res Child Dev.* 2002; 62(2):1-183.
38. Gentry MM, Meyer CT. A validation study of the MMPI-2 sex role scales: An analysis of the GM, GF, and Mf scales. Boston: Paper presented at the meeting of the American Psychological Association; 1990.
39. Duckworth JC, Anderson WP. *MMPI and MMPI-2: interpretation manual for counselors and clinicians.* 4th ed. Levittown, PA: Taylor & Francis Inc; 1995.
40. Baldwin AC, Critelli JW, Stevens LC, Russell S. Androgyny and sex role measurement: A personal construct approach. *J Pers Soc Psychol.* 1986; 51(5): 1081-8.
41. Lenney E. Sex roles: The measurement of masculinity, femininity, and androgyny. In: Robinson JP, Shaver PR, Wrightsman LS, **editors.** *Measures of personality and social psychological attitudes.* San Diego, CA: Academic Press; 1991.
42. Fernández J, Coello MT. Do the BSRI and PAQ really measure masculinity and femininity? *Span J Psychol.* 2010; 13(2):1000-9.

Original Article

**Masculine and Feminine Gender Roles in Healthy Iranian Population
According to Two Different Constructs:
Bem Sex Role Inventory vs. GM and GF Scales of MMPI-2**

Abstract

Objectives: The aim of the current study was to assess masculine and feminine gender roles in a group of healthy Iranian males and females, using two different instruments and to compare these findings. **Method:** Eighty-one male and 89 female healthy individuals participated in this cross-sectional study. Gender roles were assessed using gender-masculine (GM) and gender-feminine (GF) scales derived from MMPI-2 and the Bem Sex Role Inventory (BSRI). Sex-typing was performed using median split-half method. **Results:** Based on the normative data of Iranian population for GM-GF scales, 48.1% of normal males and 37.1% of normal females were undifferentiated on sex-typing and none of them was considered as androgynous. However, BSRI showed that the frequency of androgyny was 6.2% in male and 10.1% in female samples and the frequency of undifferentiated individuals was 39.5% in males and 36.0% in females. Pearson's correlation coefficient was 0.530 between GM scale of MMPI-2 and masculinity traits in the BSRI and 0.528 between GF scale of MMPI-2 and femininity traits in the BSRI (for both: $p < 0.001$). **Conclusion:** These two instruments showed moderate correlations. However, it seems that these two instruments measure different attributes of gender roles, though they have considerable overlap.

Key words: gender roles; Bem Sex Role Inventory; MMPI-2; masculinity; femininity

[Received: 9 July 2013; Accepted: 21 September 2013]

*Kaveh Alavi^a, Amir Hossein Jalali Nadoushan^a, Mehrdad Eftekhari**

* Corresponding author: Mental Health Research Center, Tehran Institute of Psychiatry-School of Behavioral Sciences and Mental Health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran, IR.

Fax: +9821-66506862

E-mail: mehrdad.eftekhari@gmail.com

^a Mental Health Research Center, Tehran Institute of Psychiatry-School of Behavioral Sciences and Mental Health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.